

س

در آنچه اسما بی چه اسما بی موجب انوار ناسبت  
سود و سعادت و افرات قلقت بول یا قلت تحلل مندرست  
بستغفا و دلائل بر از در صفت و سواد و سباض و غیره است

بر لایل بول فتا مال **خاتم** احکام بول را زود فکر بوسیله  
بر تو جمع کرده و جمیع برادران تا پنج سال تا که شود روشنت بگیر  
قاروره و چهار صد و سیست قره ابران **تمت تمام شد**

**در بوسه بسم الله الرحمن الرحیم و تمیم بالخیر**

الحمد لله الذی خلق الانسان فی احسن تقویم و هو یوحی العظام  
و هی یسمی و الصلوة والسلام علی حبیبیه و نبیه محمد الذی یضیی  
الانام من امراض الهبالت و استقام الضلاله و علی الیه و اصحابه  
هم المهدون الی طریق الحق و سبیل الهدی الخیر **اما بعد** عرض میکند  
راقم این ایجاز که این موجب است در همان احوال برابر که گفته  
تسهیل عوام و طالبین مراسم بجز عبارت و قید کتابت **مطلوبه**

شده چون احد حسن توفیق **بر اکبر** از ما خود نیت از تیر است  
 که آن عبارت از پرده زلفی است **بهر است** جهت تفاسی حاجت  
 را با این مناسبت بر از نامیده اند و استند لال بر و از وجوه  
 مختلفه است یکی از وجوه کمیت و مقدار است و دیگر قوام  
 و دیگر لحن و دیگر هیئت او در استغناء و ضمور و دیگر وقت  
 و دیگر اصوات خارجه عند الطرح و دیگر آنچه و دیگر برب  
 و غیر بربیت و دیگر طوبت و میبوست و صلابت  
 اما کمیت یاد در جانب کثرت است یاد در جانب قلت زیر که  
 بر از اگر کثرت است از مطوم باشد دلالت بر کثرت اخلاط  
 یاد دلالت میکند بر ذوبان اخفا و اگر اقل از مطوم است  
 بر قلت اخلاط میکند یاد دلالت میکند بر احتباس  
 و قولون و غیر ذلک و این متبذ بقول **است** یا ضعف  
 و اما استند لال از قوام اگر چنانچه سیال و رقیق است دلالت

۲۷

و میکند یا سو<sup>حکم</sup> یا ه<sup>مضم</sup> یا ج<sup>اول</sup> و مراد بجد اول امعاد و عروت که  
 محل مرور اغذیه و انشرب است و گاهی سبب باساقن یا دوا<sup>سط</sup>  
 تناول مرطبات است از فواکه و غیرها و بر از کزج گاهی فلت<sup>برزدوبان</sup>  
 بعضا را صلی میکند و این نشانه عدل زیادتی نترس را کجاست  
 گاهی کجاست و بر از بوسطه تناول اغذیه لرخمیست و از جمله  
 باکیتدل بلون برزست و رنگ طبعی او نارنجی خفیف است  
 است و او ناریت برودالت بر غلبه صفرا و مراد بنار<sup>ست</sup>  
 است که بزرگ او باشد چه آتش سبب ظاهر صفت<sup>بهمثل</sup>  
 بر و غالب است و چون در بدن صحت باشد و معده ضعیف<sup>مانند</sup>  
 و در جمیع افعال خود سالم باشد فصد منفصل از کلیه سبب  
 وجه است و نقصان او در لون نارنجی دال بر نقصان<sup>تضم</sup>  
 است و بیاض بر از دلالت میکند بر شده در مجرای<sup>مراه</sup>  
 یا دال بر انفعال و بیدار یا قرصه است اگر بران<sup>فحی</sup> در ایام

رؤیت

منه سخن

قبیح و مدت غالب باشد و بیاض گاهی بسبب دفع طبیعت  
 هر خطا بیض را نیز می باشد و از این استند عین و تارک کف  
 منتفع میشوند و آنچه در لون بول معتبرست در لون برابر  
 معتبرست زیرا که در استدلال همچنانکه از بول و قوام او  
 او و غیره که بر احوال بدن جاریست همچنین استدلال از برابر  
 استدلال بول بر احوال بدن و مزاج جاریست و اما انتفاع  
 برابر مثل قوی بقدر دلالت بر کثرت ریج میکند و اما استدلال  
 بوقت او اگر خروج بول معتبرست و از عادت خود در وقت  
 بر کثرت مراه که صفراست میکند یا صوف ماسکه و اگر خروج  
 باشد دلالت بر ماخوذ بود و معا میکند و اما دلالت از جهت  
 عند اطرز صوت قوی و دلالت بر ریاح قوی میکند و هر  
 قوی تر باشد عقیدار آن دلالت بر ریج و یا قوت دفعه یا  
 مجموع میکند و اما استدلال از رایجه برین وجهست که اگر ریج

۲۸

آنچه که در برزخ است یا از زبان انحصاست یا از سنت  
 عقولست و حرارت زیر که از رطوبت هر گاه که از آنجمله  
 رو به چپ شود موجب تعفن رطوبات میشود و حرارت اگر  
 نهن را که در برزخ است دلالت بر عکس این میکند و اما استدلال  
 از کف با زمین و حرارت که اگر بر برزخ کف باشد دلالت  
 بر غلبان و جو شدن میکند نسبت به حرارت یا بر کثرت <sup>در</sup> رطوبت  
 یا دلالت میکند و اما استدلال از پیوست و صلابت بر زمین  
 و حرارت که اگر بر زمین یا صلب است دلالت میکند بر تعفن بسیار  
 بر بسیاری او را بول چه هر گاه که از رطوبت بطریق دیگر  
 شده در افعال پیوست و صلابت غالب میشود یا پیوست  
 بواسطه کثرت حرارت باشد چه حرارت کثیر و <sup>تجذیف</sup> <sup>چیدن</sup> <sup>و</sup> <sup>حکم</sup> <sup>و</sup> <sup>حکم</sup>  
 رطوبات میکند پس در برزخ پیوست و صلابت نباشد و اما  
 است بر تناول اغذیه یا بویاده آل بر طول است او

در اسعاده این یا بواسطه ضعف قوت واقفه است یا بواسطه  
عدم الصیاب مراره نذاعه است چون مثبته بر باز که صفراست  
بعد از انجذاب کیموس بجانب جگر مفعول باشد هرگز نیز  
بقضای حاجت نباشد و علامت آن نیست که اگر صفرا  
شود در واشر رطوبات کمتر باشد و اگر سبب سده مجرا  
مراره باشد بر باز که از صفراست بواسطه سده الصیاب  
لاجرم لون بران سفیدست و بیاید دانست که بر باز  
که متنابه الاجزاء باشد و سخن و حجم او مثل سبب است و  
الخرق است چون یالین و صلبیت و لذع ندارد و زیر  
الصیاب صفرا بیرون از مقدار طبیعی نیست و لون او  
لصفرة است در آنچه گریه شده تبار و و عدم الراجح نیز  
که این نمیدانند که با ندر از طبیعی خارج است و فراقه که مفعول  
و نفع بسیار نیست چه اگر با ندر صفت باشد و لالت

وصف

۲۹

اضوف ما ضمه میکنند از بد تشبیه نندار و زیرا که زبد نیز متعلق  
از اگر فحاجت و عدم تمامی فعل معده میشود و مقدار برابر یکدیگر  
م تفاوت هت ماکول است م

م م م م م

م م م م

م م م

م م

م

م

م

م